

زندگی سیاسی مصدق

فؤاد روحانی

تهران - ۱۳۸۰

فهرست

۵	مقدمه
۹	فصل اول - کمونیسم و حزب توده در رابطه با مسئله ملی شدن نفت
۹۵	فصل دوم - نهضت ملی
۱۰۳	فصل سوم - وضع بین‌المللی صنعت نفت در زمان ملی شدن صنعت نفت ایران
۱۰۷	فصل چهارم - خلاصه تاریخ پنجاه ساله شرکت نفت انگلیس و ایران
۱۳۲	فصل پنجم - طرح قرارداد الحاقی در کمیسیون مخصوص نفت
۱۴۷	فصل ششم - نظری به ماهیت و فعالیت جمعیت‌های مذهبی یا مذهبی‌نما
۱۶۰	فصل هفتم - شرح قانون ملی شدن نفت
۱۶۴	فصل هشتم - تشکیل حکومت مصدق
	فصل نهم - نظر و طرز برخورد شاه با مسئله ملی کردن صنعت نفت
۱۷۰	و حکومت دکتر مصدق
	فصل دهم - نظر و روش دولت آمریکا درباره ملی شدن نفت
۱۷۵	و حکومت دکتر مصدق
۱۹۶	فصل یازدهم - طرز اجرای قانون ملی شدن نفت
۲۰۱	فصل دوازدهم - واکنش شرکت سابق در برابر اقدامات دولت ایران
	فصل سیزدهم - نظری به برخورد ایران با موانع ناشی از وضع
۲۰۷	شرکت‌های بزرگ نفتی
۲۱۳	فصل چهاردهم - طرح پیشنهادی حل اختلاف
۲۳۵	فصل پانزدهم - پیشنهاد دوم: وساطت هریمن و میسیون استوکس

- فصل شانزدهم - فترت چهار ماهه شهریور - آذر ۱۳۳۰ بین دومین
و سومین پیشنهاد حل اختلاف ۲۴۶
- فصل هفدهم - پیشنهاد سوم: پیشنهاد بانک بین المللی عمران و توسعه ۲۵۷
- فصل هجدهم - فترت پنج ماهه (فروردین - شهریور ۱۳۳۱) بعد از رد
پیشنهاد بانک بین المللی ۲۶۷
- فصل نوزدهم - طرح شکایت شرکت نفت و دولت انگلیس علیه ایران
در سازمان ملل ۲۶۹
- فصل بیستم - شرحی درباره وضع مجلس هفدهم و لایحه اختیارات دکتر مصدق . ۲۷۶
- فصل بیست و یکم - پیشنهاد چهارم ۲۸۳
- فصل بیست و دوم - فترت چهار ماهه (آبان - بهمن ۱۳۳۱) بین رد پیام مشترک
و طرح پیشنهاد بعد ۲۹۳
- فصل بیست و سوم - دومین پیشنهاد مشترک انگلستان و آمریکا ۳۰۵
- فصل بیست و چهارم - تطبیق پیشنهادها با قانون ملی شدن نفت ۳۱۱
- فصل بیست و پنجم - اوضاع و پیشامدهائی که منجر به سقوط دولت گردید
(فروردین - مرداد ۱۳۳۲) ۳۱۵
- فصل بیست و ششم - طرح و اجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ۳۳۰
- فصل بیست و هفتم - مرحله اجرای طرح ۳۶۴
- فصل بیست و هشتم - وضع اقتصادی در دوره بحرانی نفت ۳۹۶
- فصل بیست و نهم - محاکمه دکتر مصدق در دادگاه نظامی ۴۱۸
- فصل سی ام - نظری به گذشته ۴۷۹
- فصل سی و یکم - تأسیس شرکت ملی نفت ایران ۴۹۰
- فصل سی و دوم - قرارداد کنسرسيوم ۴۹۹

مقدمه

طی سال‌های اخیر دربارهٔ دکتر محمد مصدق کتاب‌ها و مقالات بسیار انتشار یافته و گفتگوها به میان آمده است تا آنجا که ممکن است تصور شود گفتنی‌ها گفته شده و ادامهٔ بحث فقط تکرار مطالبی خواهد بود که بارها بیان شده است. ولی حقیقت امر چنین نیست. هنوز نکاتی از جریان وقایع در تاریکی و ابهام باقی است. تصورات، تعبیرات و قضاوت‌های ناصواب در اذهان وجود دارد. مقدمات پیدایش نهضت ملی، موجبات و هدف‌های گستردهٔ اقدام به ملی کردن نفت پی آمدها و انعکاسات جهانی آن، اصطکاک آن با سیاست‌ها و توطئه‌های خارجی، برخورد آن به ضدیت عوامل ارتجاع و کمونیسم و قشریت مذهبی و خلاصه بسیاری مسائل، چنان که باید، روشن نشده است و جا برای یک بازبینی محققانه و مستند باز است و هستند کسانی که هم اکنون در این زمینه فکر می‌کنند.

شاید بعضی از خوانندگان فیلمی را که چندی قبل زیر عنوان «پایان امپراتوری» که در تلویزیون لندن نشان داده شد دیده باشند. آن فیلم سؤالات مهمی را دربارهٔ سیاست و روش و عاقبت کار دکتر مصدق به طور مستقیم و غیرمستقیم طرح می‌کرد و راه جستجوی جواب آنها را نیز تلویحاً نشان می‌داد. نفس تهیه چنین فیلمی آن هم در انگلستان و در سری تلویزیونی «پایان امپراتوری» دلیلی است براینکه موضوع هنوز به خصوص از نظر بین‌المللی قابل تحقیق است. عکس‌العمل‌های مختلف کسانی که آن فیلم را دیده‌اند خود جزئی از ادامه بحث و پژوهش است. از جمله مسائل حل نشده آن است که مخالفان نهضت ملی و بعضی از کسانی که فیلم مورد اشاره را دیده‌اند چنین استدلال می‌کنند که اگر دستگاه جبههٔ ملی برچیده نشده بود ایران طعمهٔ شوروی

می‌شد. شک نیست که کودتای ۲۸ مرداد براساس همین فکر تنظیم و اجرا شد. اما مدارک معتبری در دست است که ثابت می‌کند این فکر توهمی بیش نبود که دولت و شرکت نفت انگلیس به طرزی زیرکانه به مقامات امریکا تلقین می‌کردند تا امریکا را که اصولاً با پیشرفت نهضت ملی ایران مخالفتی نداشت و ادار به برانداختن حکومت دکتر مصدق کنند و موفق هم شدند.

یکی از شرکت کنندگان در فیلم پایان امپراتوری ریچارد کاتم امریکائی نویسنده کتاب «ناسیونالیسم در ایران» بود. گفته‌های او تا اندازه‌ای این حقیقت را آشکار کرد. اما بیان روشن‌تر مطلب در روزنامه «تایمز» لندن (در شماره روز ۲۷ مه ۱۹۸۵) آمده است که می‌نویسد: «چون بحران نفت به درازا کشید دولت چرچیل که این بحران را از دولت کارگر به ارث برده بود به‌زودی به این نتیجه رسید که تنها راه حل، عبارت از خلاصی یافتن از دست مصدق است.» و این مطلب را هم از قول سر دونالد لوگان که در زمان بحران نفت متصدی امور ایران در وزارت خارجه بود و در فیلم تلویزیونی مزبور شرکت کرد نقل می‌کند. تایمز درباره ریچارد کاتم که او هم در فیلم شرکت داشت می‌گوید: «کاتم که در سال ۱۹۵۳ از طرف سی.آی.ای (سیا) استخدام شد تعجب می‌کرد که مقالاتی که می‌نوشت و طی آن مصدق را فرد متعصب و همکار کمونیست‌ها معرفی می‌کرد روز بعد با کمک برادران رشیدیان در روزنامه‌های تهران چاپ می‌شد. در مدتی که ترومن رئیس جمهور بود سی.آی.ای. اجازه نداشت چنین عملی انجام دهد. اما آیزنهاور و دالس به آسانی به این القاء انگلیسی‌ها تسلیم شدند که اگر مصدق برسر کار بماند بالمآل کمونیست‌ها ایران را قبضه خواهند کرد. کاتم نظرش را اینگونه بیان می‌کرد که: «انگلیس‌ها چون خوب درک نکردند که در امریکای زمان مک کارتی یک حالت ترس یا بیماری روانی درباره کمونیسم وجود داشت متعمداً این ترس را قوت دادند تا ما را وادار کنند که خودمان را به کودتا آلوده کنیم.» همچنین در موضوع روش انگلیسی‌ها در ایران نظریه کاتم را نقل می‌کند و می‌گوید: «او در سال ۱۹۵۱ به عنوان پژوهشگر به ایران رفت و در ابتدا عقیده داشت که ایرانیان در نسبت دادن همه پیشآمدها به سیاست انگلیس مبالغه می‌کنند. اما وقتی دو سال بعد به استخدام سی.آی.ای. درآمد و فرصتی پیدا کرد که می‌توانست جریان حقیقی رویدادها را مشاهده کند نظرش را اینگونه تعدیل کرد که: «طرز تفکر ایرانیان هرچند مبالغه‌آمیز است اما برپایه واقعیات بسیار معتبر قرار دارد.»

روزنامه‌تایمز در این مقوله نظر خود را به این عبارت بیان می‌کند:

«انگلستان برای حفظ منافع اقتصادی و استراتژیکی خود به طرز وسیع در امور سیاسی ایران دخالت می‌کرد، گاهی آشکارا؛ چنانکه در سال ۱۹۴۱ ایران را با قوای نظامی اشغال و شاه را مجبور به استعفا کرد ولی بیشتر اوقات از پشت پرده یعنی از طریق ارتشاء و اعمال نفوذ.»

این‌ها نمونه‌هایی است از مسائل ناشی از بحران ملی شدن نفت ایران که امروز در سطح جهانی بحث و تحقیق درباره آن مهم تلقی می‌شود.

اخیراً برای پژوهش در این موضوع مأخذ تازه و ذی‌قیمتی به دست آمده و آن اسناد محرمانه دولت انگلیس است که طبق معمول پس از گذشت سی سال در دسترس عموم گذاشته می‌شود.

نگارنده با بهره‌گیری فراوان از این منبع جدید (به طوری که از حواشی کتاب ملاحظه خواهد شد) در صدد آن برآمدم که شرحی را که در گذشته تحت عنوان «تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران» (چاپ تهران به سال ۱۳۵۳) تألیف نموده‌ام تکمیل کنم. اینک این کتاب نتیجه بررسی مدارک و استفاده از اطلاعات تازه‌ای است که طی سال‌های اخیر به دست آمده و مشتمل بر موضوعاتی است که بر محور پیدایش نهضت ملی و مسئله ملی شدن صنعت نفت و پی آمدهای آن دور می‌زند و ضمناً شمه‌ای از اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی کشور را نیز که منجر به پیدایش آن نهضت گردید شرح می‌دهد. نگارنده در میان چگونگی رویدادها و تعبیر و تفسیر آنها شرط اتکاء به مدارک رسمی و معتبر را همواره رعایت نموده و در هیچ مورد قصد پافشاری در نظر خاصی نداشته بلکه همه گونه کوششی به کار برده است تا خوانندگان بتوانند درباره موضوع‌های کتاب طبق تشخیص خود قضاوت کنند.

فصل اول

کمونیسم و حزب توده در رابطه با مسئله ملی شدن نفت

نظری به گذشته

جبهه ملی زمانی تأسیس شد که حزب توده با همین نام ده سال سابقه داشت، اما از بیست سال قبل از آن فعالیت‌های کمونیستی در ایران به صورت تبلیغات، جنبش‌ها و جبهه‌سازی‌های ضدنظام موجود آغاز شده و مراحل را جسته و گریخته بدون تحصیل هیچگونه موفقیت پیموده بود. پس از اشغال ایران به وسیله ارتش‌های خارجی، حزب توده در سایه حمایت شوروی رسماً تشکیل شد و علناً به فعالیت‌هایی مطابق با مرام کمونیستی پرداخت که تا واقعه تیراندازی به شاه در بهمن ۱۳۲۷ ادامه یافت و سپس سازمان رهبری حزب به خارج از ایران منتقل گردید.

از آنجا که جبهه ملی تغییر اساسی بعضی جنبه‌های سیاست دولت یا دولت‌های سابق و به خصوص قطع نفوذ بیگانگان را هدف خود قرار داده بود و حزب توده نیز با هدف اصلی برانداختن نفوذ «امپریالیسم غربی» عمل می‌کرد، برخی از ابتدا تصور کردند که بین این دو تفاهم و ارتباط وجود دارد. هرچند روش خصمانه حزب توده نسبت به جبهه ملی طی یک سال و نیم بعد از تشکیل حکومت دکتر مصدق این توهم را نفی می‌کرد اما رویدادهای سال آخر حکومت ملی یعنی از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ (پایان نخست وزیری چند روزه قوام) تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (سقوط دکتر مصدق) فکر وجود همفکری و همکاری بین دولت دکتر مصدق و حزب توده را به خصوص در ذهن مخالفان حکومت و محافل سیاسی دولت‌های غربی قوت داد تا آنجا که سرانجام موجبات سقوط دکتر

مصدق براساس همین تصور واهی فراهم شد.

واضح است که جبهه ملی و حزب توده از لحاظ ایدئولوژی در دو قطب مخالف قرار داشتند. جبهه ملی در تعقیب مرام برانداختن نفوذ خارجی بین شرق و غرب فرق نمی‌گذاشت در حالی که حزب توده قویاً طرفدار شوروی بود یعنی مرام و روش خود را براساس پیروی از سیاست و مصالح شوروی پی‌ریزی کرده بود با آنکه قطعاً از نظریه شوروی درباره ایران بی‌اطلاع نبود. در آغاز انقلاب روسیه پایه‌گذاران سیاست شوروی وضع آینده ایران را از نظر خود روشن و به این عبارت بیان کرده بودند که «برای توفیق انقلاب در شرق اولین کشوری را که شوروی باید تسخیر کند ایران است... ایران باید از آن ما باشد ایران باید به انقلاب تعلق داشته باشد»^۱ راست است که مقامات شوروی طی چند سال بنا را بردوستی با ایران و تغییر روش رژیم تزاری گذاشته و بعضی گذشت‌ها نسبت به آنچه روسیه قبلاً به ایران تحمیل کرده بود نمودند که باز شدن صفحه جدیدی در تاریخ روابط ایران و روسیه را نوید می‌داد اما طولی نکشید که طرز عمل شوروی این امید را مبدل به یأس کرد و معلوم گردید که هیچ‌گونه تغییر اساسی در مقاصد و هدف‌هایی که روسیه طی قرن‌ها از آن پیروی کرده بود حاصل نشده است.

موضوع این گفتار بحث درباره چگونگی پیدایش و تحول سازمان‌های کمونیستی در ایران نیست بلکه یادآوری فعالیت حزب توده در رابطه با جبهه ملی و حکومت دکتر مصدق است، اما یک نظر اجمالی به برخوردهای گذشته مرام کمونیستی با اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران برای شناخت حزب توده و قضاوت در امکان یا عدم امکان ارتباط این حزب با هدف‌ها و فعالیت جبهه ملی ضروری است. ضمناً یادآوری اوضاع مزبور که قسمتی از آن مستقیماً مربوط به حزب توده نیست به درک علل پیدایش نهضت ملی کمک خواهد کرد.

به فاصله کمی بعد از انقلاب روسیه مرام کمونیستی به ایران سرایت کرد و چون زمینه از بعضی جهات کاملاً مساعد بود در افکار اجتماعی ایران نفوذ نمود و طی چند دهه جنبش‌هایی به وجود آورد که در جریانات سیاسی آن زمان اثر گذاشت. برای تحقیق

۱- ترویوانوسکی Trouyanousky: ۱۹۱۸، نقل از «تاریخ شرکت نفت انگلیس و ایران» نوشته R.W.Ferrier ص.

درباره وجود زمینه مساعد باید کمی به عقب برگردیم. از اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم آن قسمت از طبقات متوسط مردم ایران که از آگاهی سیاسی و آشنائی با تحولات جهانی برخوردار بودند و هرروز آثار شوم گرفتاری ایران در چنگال نفوذ خارجی و استبداد داخلی را مشاهده می کردند همواره منتظر فرصت بودند که با استفاده از همه گونه امکانات برای به وجود آوردن یک دگرگونی ریشه‌ای در طرز حکومت و اوضاع اجتماعی و اقتصادی کوشش و جانفشانی کنند. انقلاب مشروطه که جلوه شکوهمندی از همین اصلاح طلبی و ترقی خواهی بود «خوش درخشید» ولی بر اثر وزش بادهای مخالف شمال و جنوب یعنی به وجود آمدن قرارداد ۱۹۰۷ دایر بر تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ روس و انگلیس (که یک سال بعد از فرمان مشروطیت منعقد شد و نشان داد که تصور پشتیبانی انگلستان از نهضت آزادیخواهی ایران اشتباه محض است)، پیدایش استبداد صغیر با کمک آشکار روسیه صورت گرفت، اولتیماتوم مشترک روس و انگلیس در سال ۱۹۱۱ (۱۲۹۰ هجری شمسی) برای اخراج شوستر و پایان دادن به اصلاحات دامنه‌داری که او شروع کرده بود، و بالاخره بروز جنگ جهانی اول و صدماتی که طی آن به وسیله نیروهای خارجی به ایران وارد آمد در حقیقت معنی و اثر خود را از دست داد.

بعد از سال ۱۲۹۰ ارکان مشروطیت عملاً تعطیل شد و حکومت واقعی ایران در دست ارتش روس و انگلیس قرار گرفت اما قبل از آن یعنی در دوره‌های اول و دوم مجلس شورای ملی جنبش‌هایی در داخل مجلس صورت گرفت که بقای روح قانون اساسی را با وجود اختلافات داخلی و برخورد با موانع خطیر خارجی مژده می داد. در مجلس دوم در تعقیب فکر اصلاحات که بین افراد و در نشریات آزادیخواه داخل و خارج کشور و به خصوص انجمن‌های سری و علنی^۱ مقدم و مؤخر بر تشکیل مجلس شورا مطرح بود فرقه‌ای به نام «دموکرات» با ۳۷ عضو به رهبری شخصیت‌های ترقی خواه برجسته‌ای مانند تقی‌زاده و سلیمان میرزا اسکندری تشکیل یافت. این فرقه در خارج از مجلس نیز تحت عنوان حزب دموکرات وجود داشت و پایه‌گذار عمده آن دو آذربایجانی موسوم به حیدرخان عموغلی و محمدامین رسولزاده بودند که بعد در حزب کمونیست

۱- چگونگی به وجود آمدن این انجمن‌ها و نقش آنها در پیدایش نهضت مشروطه در کتاب‌های «تاریخ بیداری ایرانیان» تألیف ناظم الاسلام و «تاریخ انقلاب مشروطیت ایران» تألیف ملک‌زاده شرح داده شده است.

ایران دارای مقام شاخصی شدند. حیدرخان دموکرات‌های ایران را با حزب سوسیال دموکرات بادکوبه مربوط نمود به طوری که حزب دموکرات ایران در تنظیم برنامه خود از بیانیه سوسیال دموکرات استفاده کرد بی آنکه کلمه سوسیال را به نام خود اضافه کند. رسولزاده روزنامه‌ای به عنوان «ایران نو» در تهران دایر کرد که طی مقالات آن درباره اصول برنامه حزب دموکرات بحث می‌کرد از قبیل فتوالمیسم (۱۲۸۸)، روابط بین‌المللی (۱۲۸۸)، وحدت ملی (۱۲۸۹) و موضوع‌های مشابه دیگر و در خلال این مقالات تاریخ سوسیالیسم اروپائی را شرح می‌داد و می‌کوشید که برای اولین بار عقاید مارکسیسم را ترویج کند.

کلیات برنامه حزب دموکرات اصول ناسیونالیسم بود همراه با دموکراسی و هدف‌های لیبرال مانند برابری و آزادی همه افراد جامعه بدون تبعیض مذهبی و نژادی و طبقاتی، جدائی دین و سیاست، آموزش مجانی برای همه افراد ملت با تأکید مخصوص در مورد تعلیم و تربیت زنان، آزادی انتخابات، الغای قراردادهای کاپیتولاسیون، اصلاحات ارضی و غیره به ویژه مبارزه با نفوذ و سرمایه‌های خارجی و استبداد داخلی. توجه به این نکته لازم است که برنامه حزب دموکرات ده سال قبل از استقرار حزب کمونیست روسیه تدوین شد و بنابراین محتویات آن هیچگونه ارتباطی با مرام آن حزب نداشت.

در مقابل فرقه دموکرات فرقه دیگری به نام «اعتدال» با ۵۳ عضو تشکیل شد که دو مجتهد معروف یعنی بهبهانی و طباطبائی در رهبری آن شرکت داشتند. این دسته نیز خواهان اصلاحات بودند ولی در چارچوب حمایت از طبقات محافظه‌کار و ملاکین و روحانیون و با تأکید مالکیت خصوصی و حفظ شعائر دینی. طرفداران این حزب در خارج مجلس از طبقه علما و تجار و صنعتگران بودند که عقیده داشتند اصلاحات باید با رعایت میانه‌روی و اعتدال و حفظ سنت‌های قدیم طرح و اجرا شود.

سفیر انگلیس طی گزارشی که درباره اوضاع ماه ژوئن ۱۹۱۰ (۱۲۸۹) به وزارت خارجه می‌دهد می‌گوید:

«روحانیون که برای حفظ منافع خود با اصلاحات مخالفت می‌ورزند عامه مردم و به خصوص صنعتگران و بازرگانان را فریب می‌دهند و چنین وانمود می‌کنند که